آینه

ایران

جامعه در انتظار اصلاحات بنیادین است

*در سال‌های اخیر توصیه‌های زیادی از طرف شخصیت‌های حاضر در حاکمیت خطاب به جامعه ایران صورت گرفته که به‌نظر می‌رسد در جامعه پژواک مناسب خود را پیدا نکرده است. به‌عبارتی جامعه به آن واکنش مثبت و مناسبی نشان نداده، دلیل این را چه می‌دانید؟

دلیل این در عملکردها و کارنامه خود کسانی است که چنین خواسته‌ای دارند، اینجا بحث این جناح و آن جناح و دولت قبل و بعد نیست. بحث کل حاکمیت است. مردم نسبت به مجموعه کارنامه‌ای که برای آنها به‌عنوان کارنامه حکمرانی این طبقه مطرح است انتقاد دارند. مردم به دفعات به همین طیف‌ها اعم از اصولگرا و اصلاح‌طلب اعتماد کرده اما پاسخ اعتماد خود را آن‌گونه که باید و شاید نگرفته است لذا جلب اعتماد آنها عملا سخت و سخت‌تر می‌شود... مسئله بعد هم این است که اعتماد یک فرایند دوطرفه است؛ یعنی نمی‌شود دائم از مردم خواست آنها به مسئولان و حاکمیت اعتماد کنند. این وسط جای اعتماد حاکمیت به مردم کاملا خالی است. جامعه وقتی با مطالبه اعتماد و همراهی از سوی مجموعه حاکمیت مواجه می‌شود، این سؤال برایش ایجاد می‌گردد که در همه این سال‌ها شما کجا و کی و تا چه اندازه به مطالبه و خواست و همراهی با من اعتماد کردید؟ از جامعه‌ای که سطح پایین‌ترین خواسته‌ها در آن مثل بحث ورود زنان به ورزشگاه‌ها به یک موضوع امنیتی و قضائی تبدیل می‌شود، نمی‌توان تقاضای همراهی کرد. این جامعه به مجموعه مسئولان خود می‌گوید شما که حاضر نیستید یک قدم هم با خواسته‌های من حرکت کنید، چطور از من توقع ۱۰ قدم حرکت دارید؟ چطور از من توقع تحمل شرایط را دارید وقتی حداقلی‌ترین حقوق و مطالبات من را نمی‌خواهید بشنوید؟ جامعه می‌پرسد من بارها به این دست خواسته‌ها اعتماد کردم و نتیجه آن را دیدم، چه تضمینی هست که این‌بار هم اعتماد کنم و از آن سوءاستفاده نشود؟ نیروهای حاضر در قدرت تا برای این دست سؤالات پاسخ منطقی و قانع‌کننده نداشته باشند، طرح مطالبه از جامعه بی‌فایده و بدون اثر است. اینها موانعی است که اجازه نمی‌دهد اعتماد مؤثر بین ساحت سیاسی و عمومی در جامعه شکل بگیرد و بنابراین خواسته‌های سیاست‌مداران عموما در جامعه پژواکی ندارد مگر اینکه به صورت سازماندهی‌شده قرار به نمایش یک واکنش مثبت ساختگی باشد که آن هم تأثیر ندارد. تا زمانی هم که خواسته‌ها و مطالبات جامعه امکان گردش و مسیریابی در سطح حاکمیت را پیدا نکنند وضع به همین منوال خواهد بود و چه‌بسا بدتر هم می‌شود... ما در سطح عمومی جامعه اختلافی که در بالا هست را نداریم که بخواهیم آن را کنار بگذارند. هرچه اختلاف و درگیری و عصبیت در کف جامعه هست، سایه‌ای است از درگیری‌های بالا در سطح حاکمیت...

معتقدم ما در شرایطی هستیم که اصلاحات بنیادین، ساختاری و واقعی در شرایط بدتر از این هم جواب خواهد داد. به شرطی که جامعه واقعیت آن را بپذیرد و به عمق آن باور کند. تنها چیزی که ایران را در هر شرایطی نجات می‌دهد، اصلاحات بنیادین است. ما هنوز سرمایه اجتماعی قابل‌قبولی داریم که بسیار توانمند است و البته عقلانی تصمیم می‌گیرد.

قانون

● **ضرورت کیفرزدایی:** ... به‌راستی چرا ما در قانون‌گذاری این همه شوق مجازات داریم؟ مبنای جرم‌انگاری ما چیست؟ بسیاری از اموری که عرفا وصف مجرمانه نداشته و ماهیت حقوقی و اخلاقی دارند را در شمار جرائم آورده‌ایم و درعین‌حال از پرشدن زندان‌های‌مان اظهار نگرانی کرده و راه چاره می‌جوییم! این جرم‌انگاری خواه ناخواه خشونت می‌آورد و خشونت در چرخه بازتولید خود، گریبان همه ما را می‌گیرد. به یاد دفاع یکی از متهمان -که از فعالان سیاسی بود- افتادم که در دادگاه خود که چند سال پیش از تلویزیون نیز پخش شد!- جمله‌ای ماندگار و معنادار گفت که: آنکه باد می‌کارد، طوفان درو می‌کند! آنان که در قانون‌گذاری و اجرا خشونت می‌کارند نیز باید بدانند که از این قاعده مستثنا نیستند.

جمهوری اسلامی

● **جانی، مسئول رسیدگی به جنایت:** ... اینکه ترامپ تا این اندازه دلواپس و به وکیل‌مدافع سعودی‌ها تبدیل شده است که مبادا بزرگ‌ترین شانس انتخاباتی جمهوری‌خواهان در آستانه انتخابات کنگره را بیهوده از دست بدهد، به دلیل نگرانی از لغو قراردادهای تسلیحاتی با آل‌سعود است. او می‌خواهد بن‌سلمان حفظ شود تا به کمک او بتواند آل‌سعود را بیشتر بدوشد و از این امتیاز برای انتخابات قریب‌الوقوع کنگره به‌نفع حزب جمهوری‌خواه استفاده کند.

اگر عدالت و صداقتی در کار بود، بسیار پیش از قتل فجیع و سلاخی‌کردن جمال قاشقچی می‌بایست سعودی‌ها و سایر متحدین شرور آنها در ائتلاف طوفان قاطعیت در دادگاه‌های بین‌المللی رسیدگی به جنایات جنگی محاکمه و مجازات می‌شدند و فرصت شرارت بیشتری پیدا نمی‌کردند تا قاشقچی در فهرست قربانیان جنایات آل‌سعود قرار نگیرد. این پدیده فقط بیانگر نقش و جایگاه قاشقچی نیست بلکه پدیده امروز نشانگر آن است که در محاکمه و مجازات سعودی‌ها تأخیر فراوانی شده بود ولی قتل قاشقچی به چنین تأخیری پایان داد.

politics@sharghdaily.ir

عزت‌الله ضرغامی:

رفع حصر در شورای عالی امنیت ملی رأی نمی‌آورد

عکس: مریم کامیاب، مهر

تازه‌ترین جمله عزت‌الله ضرغامی درباره حصر این است که «مسئله حصر به شورای عالی امنیت ملی سپرده شده است. (اما) آنجا هر وقت رأی‌گیری می‌شود، رفع حصر رأی نمی‌آورد». ضرغامی چند ماه پیش هم در جمع زندانیان سیاسی پیش از انقلاب گفته بود: «حصر به‌هیچ‌وجه ارتباطی با مقام معظم رهبری نداشت و تصمیم شورای عالی امنیت ملی کشور بود». او همان‌جا گفته بود: «مسئله حصر یک مسئله امنیتی است. همان‌طورکه در سال ۸۹ با حضور آقای روحانی در جلسه شورای عالی امنیت ملی به تصویب رسید، هر وقت این شورا با ریاست رئیس‌جمهور به نتیجه جدیدی برسد، قاعدتا پیگیری می‌شود».

این را که موضوع حصر در شورای عالی امنیت ملی تصمیم‌گیری شده است، بارها غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، سخنگوی قوه قضائیه، اعلام و تأکید کرده است تازمانی‌که مصوبه شورای عالی امنیت ملی پابرجا باشد، حصر ادامه خواهد داشت. او شهریور ۹۶ گفته بود: «شورای عالی امنیت ملی در اسفند سال ۸۹ تشکیل جلسه داد و مصوبه ۵۴۴ در این رابطه بود و تعجب می‌کنم که بعضی از این آقایان که می‌گویند حصر نیست، خودشان عضو و در متن هستند». او گفته بود: «کمیته‌ای در دبیرخانه شورای امنیت ملی برای پیگیری و هماهنگی امور را دنبال می‌کند که از طرف قوه قضائیه و وزارت اطلاعات نیز در آن حضور دارند».

علی شمخانی که دبیر شورای عالی امنیت ملی است، فقط یک‌بار درباره ماجرای حصر سخن گفته است. او آذر سال گذشته گفته بود: «واژه حصر واژه درستی نیست و آقایان مد نظر شما در حصر نیستند، آنها هرکس را که اراده کنند، می‌توانند ببینند؛ کمااینکه به‌تازگی آقای کروبی درخواست کردند آقای دوستی را ببینند و این دیدار انجام شد». این سخنان او با واکنش‌های گسترده‌ای مواجه شد؛ اما بعد از این دیگر از علی شمخانی خبری نبود و اصولا کسی از اعضای شورای عالی امنیت ملی دراین‌باره اظهارنظری نکرده است. حتی هیچ‌کدام از این اعضا درباره نقش این شورا و مصوبه آن در حصر سخنی نگفته‌اند.

در اینجا بد نیست بدانیم اعضای شورای عالی امنیت ملی کشور را چه کسانی تشکیل می‌دهند و چه وظایفی بر عهده دارند. بر اساس اصل یکصدوهفتادوششم به‌منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی «شورای عالی امنیت ملی» به ریاست رئیس‌جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌شود: تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین‌شده از طرف مقام رهبری، هماهنگ‌نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی و بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی. اعضای شورا عبارت‌اند از: - رؤسای قوای سه‌گانه - رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح - مسئول امور برنامه‌وبودجه - دو نماینده به انتخاب مقام رهبری - وزرای امور خارجه، کشور و اطلاعات - حسب مورد وزیر مربوط و عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه. بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تمامی مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل‌اجراست. همچنین دبیر شورا، مسئولیت اداره دبیرخانه و نظارت بر اجرای صحیح تصمیمات و مصوبات شورا و امور اداری و اجرائی شورا را بر عهده دارد؛ حسن روحانی، علی لاریجانی، سعید جلیلی و علی شمخانی، چهار دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان از سال ۱۳۶۸ تاکنون بوده‌اند.

براین‌اساس درحال‌حاضر اعضای شورای امنیت ملی عبارت‌اند از: حسن روحانی، رئیس‌جمهور؛ آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی، رئیس قوه قضائیه؛ علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی؛ علی شمخانی، نماینده مقام رهبری (دبیر شورا)؛ سعید جلیلی، نماینده مقام رهبری؛ سرلشکر محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح؛ سرلشکر امیر موسوی، فرمانده کل ارتش؛ سرلشکر محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه؛ محمدباقر نوبخت، رئیس سازمان برنامه‌وبودجه؛ عبدالرضا رحمانی‌فضلی، وزیر کشور؛ حجت‌الاسلام سیدمحمود علوی، وزیر اطلاعات و محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه. هیچ‌کدام از اعضای شورای عالی امنیت ملی از جایگاه خود در شورا تابه‌حال دراین‌باره صحبتی نکرده‌اند.

خلاصه مصاحبه عزت‌الله ضرغامی با ایرناپلاس در ادامه می‌آید:

■ من هم مثل رهبری معظم و آقای رئیس‌جمهور معتقدم که شرایط بحرانی نیست. شرایط کشور به‌گونه‌ای نیست که عده‌ای منتظر فروپاشی نظام باشند.

■ به‌خاطر مقاومتی که (در برابر آمریکا) می‌کنیم، قطعا هزینه‌هایی تحمل می‌کنیم، اما هزینه مقاومت‌نکردن، بعدها خیلی بیشتر است.

■ اگر دولت شعاری را که درباره انتقاد می‌دهد، باور داشته باشد، ما به آنجا نمی‌رسیم که یک عده از چارچوبی که رهبری تعیین کرده خارج بشوند و به سمت تخریب دولت حرکت کنند که حتما نظر رهبری هم این نیست.

■ هرکسی خارج از چارچوب رهبری و با هدف نابودی و تضعیف دولت اقدامی کند، حتما کارش اشکال دارد و در مسیر رهبری نیست.

■ صحبت رهبری (در جلسه به خبرگان رهبری و هشدار به نهادهای موازی با دولت) ناظر به این بود که برخی از آقایان هم در آن جلسه و هم در بیرون در فضای رسانه‌ای پیشنهاد دادند چون دولت توان اداره کشور را ندارد، در برخی از عرصه‌ها این نهادهای بزرگ اقتصادی بیایند کار را در خیلی از حوزه‌ها به‌دست بگیرند و به‌جای دولت مدیریت کنند؛ این نهادها، نهادهای اقتصادی مانند ستاد اجرائی فرمان امام(ره)، بنیاد مستضعفان و همه اینها هستند که البته الان فعال هستند که رهبری با این دیدگاه مخالفت کردند.

■ نگاه رهبری این نیست که اگر یک بنیاد اقتصادی مثل بنیاد مستضعفان در حال فعالیت است، محصولی تولید و کارخانه‌ای را اداره می‌کند، پس کارش موازی است و باید تعطیل شود، بلکه مخالفتشان با این است که بخواهند کل مدیریت را به عهده بگیرند و جای دولت بنشینند. بنابراین تذکر رهبری درست است و همه باید عمل کنند.

■ در دوران حضور آقای خاتمی در وزارت ارشاد بحث بود که فلان کار را انجام دهیم که ایشان گفتند من این کار را انجام می‌دهم، اما بعدا با «حاجی‌بخشی» چه‌کار کنم؟ یعنی اصلا مرحوم «حاجی‌بخشی» یک قدرتی بود که به رسمیت شناخته می‌شد و اگر کسی می‌خواست خلاف کند، امثال حاجی‌بخشی می‌آمدند.

■ موقعی که خودم در سینما بودم با اینکه مواضعم مشخص بود، یک شب در جشنواره فجر، تعدادی از این دوستان آمدند در سینما قدس میدان ولیعصر، شیشه‌ها را شکستند و مردم وحشت‌زده شدند. من موضع گرفتم. آمدند در وزارت ارشاد تا ساعت دو شب من با اینها گفت‌وگو کردم. در نهایت صورت‌جلسه‌ای تنظیم شد و اینها گفتند ما چون شما را قبول داریم دفعه بعد قبل از هر اقدامی می‌آییم به خود شما مراجعه می‌کنیم ولی فردای آن روز در سینما تجریش عده دیگری جمع شدند و مدیر سینما تماس گرفت و گفت اینها می‌خواهند شیشه‌ها را بشکنند. گفتم این صورت‌جلسه شب گذشته ما را که توافق کردیم، پشت شیشه‌ها بچسبانید. یک ساعت بعد دوباره مدیر سینما زنگ زد گفت دارند شیشه‌ها را می‌شکنند. گفتم مگر به آنها صورت‌جلسه را نشان ندادی، گفت نشان دادم ولی آنان هم گفتند که ما حزب‌الله شمیران هستیم و مستقل عمل می‌کنیم و کاری به تصمیم‌گیری مرکزیت نداریم! این چیزها حتی تا دهه ۷۰ هم پررنگ بود.

■ من صداقت را در وجود طلبه‌های بازداشت‌شده تجمع فیضیه می‌بینم. خودشان می‌گفتند این مطلبی که (روی پلاکارد) نوشته شد به معنای تهدید نبود. اینها می‌گویند وقتی ما امکانش را نداریم چطوری می‌توانیم تهدید کنیم. بااین‌حال، خودشان تشخیص دادند که اشتباه است ولی در آن چهار، پنج‌دقیقه‌ای که این نوشته در دستشان بود، موج ایجاد کرد.

■ این را که (دولت با تهدید چند طلبه نمی‌تواند وظایفش را انجام دهد) نباید گفت، چون نشان می‌دهد دولت چقدر ضعیف است که با یک پلاکارد و یک طلبه می‌گوید حرکت سازمان‌یافته علیه من وجود دارد.

■ درباره رفتار قوه قضائیه من جزء منتقدان رفتار این قوه هستم. معتقدم رفتار قوه قضائیه نقایص و آسیب‌هایی دارد و در بعضی از موارد بین متخلفان تبعیض می‌شود.

■ معتقدم بیش از آن حدی که باید سخت‌گیری کنیم، داریم سخت‌گیری می‌کنیم. مجازات‌های ما می‌تواند به‌مراتب محدودتر و زندانی‌های ما کمتر شود.

■ وضع اداره زندانی‌ها قابل‌قبول نیست. من یکی از مدیران بسیار خوب و زحمت‌کشی را دیدم که چندماهی به دلیلی جزء بازداشتی‌ها بود. ایشان تعریف می‌کرد زمانی که وارد زندان شد، برای انجام کارهای شرعی هم مشکلاتی داشت. همچنین برای زندگی و روابط با خانواده مشکلات زیادی داشت. خب، اینها دارای اشکال است و باید رفع شود.

■ الان یکی از مشکلاتی که داریم مدیران قوی و اهل ریسک است که امروز منفعل هستند و نمی‌توانند کار کنند. این را در دفاع از دولت آقای روحانی هم می‌گویم. یعنی یک مدیر نمی‌تواند مانند دهه‌های ۶۰ و ۷۰ کار کند. من هم، در دوره آقای هاشمی مدیر سینما بودم و هم، در دوره جنگ که در زمان جنگ کارهای بزرگی انجام دادم. الان اگر بگویید می‌توانی آن کارها را انجام دهی، می‌گویم نه، چون کارها سخت و بازرسی‌های بلاوجه زیاد شده است؛ به‌ویژه برای مدیرانی که قوی و اهل ریسک هستند و می‌توانند با ریسک به‌موقع کشور را به جلو ببرند. اما آنان کار نمی‌کنند چون می‌گویند اگر این کار را انجام دهیم، علیه ما پرونده تشکیل می‌شود و ظاهر پرونده هم علیه ماست.

■ آن یک‌سالی که در دولت آقای روحانی بودم، یک بار در کمیسیونی دیدم که باید موضوعی امضا می‌شد، همه تأیید می‌کردند ولی آقای وزیر نفت امضا نمی‌کرد. هرچه وزیر صنعت و وزیران دیگر و آقای جهانگیری اصرار می‌کردند که آقا باید امضا کنید، آقای زنگنه امضا نمی‌کردند، می‌گفت برای اینکه من نمی‌خواهم به زندان بروم. اگر من این را امضا کنم و فردا هر اتفاقی بیفتد، برای وزارت نفت تشکیل پرونده می‌دهند و من باید توضیح دهم. چرا ما کشور را به اینجا رسانده‌ایم؟ این خیلی غلط است. در زمان جنگ که باید مسئولان دولتی فرمانده باشند و با قوت و با اقتدار نترسند و نظام هم پشتشان باشد و بروند مبارزه کنند، چرا ما باید این مدیران و مسئولان را منفعل کنیم؟

■ من به‌شدت منتقد هستم که آقای سیف ممنوع‌الخروج شود. این برای جایگاه یک مسئول خیلی بد است. روحانی بگوید که آقای سیف، کاندیدای مورد اعتماد من هستند، شما ایشان را ممنوع‌الخروج نکنید و بگذارید اعتبار افرادی که خدمت می‌کنند، محفوظ بماند و من شخصا به‌عنوان رئیس‌جمهوری تضمین می‌دهم. آقای روحانی این حرف را نمی‌زند و آنها (قوه قضائیه) هم آن کار را می‌کنند. این‌گونه نمی‌شود کشور را اداره کرد. شأن و شئون افراد باید حفظ شود.

■ برخی مواقع من خودم متهم می‌شوم آن‌طور که شایسته بود، علیه برجام کار و نقد نکرده‌ام! مخالفان را برای حرف‌زدن به برنامه‌ها نیاورده‌ام. من در تجمعات دانشجویی به این شبهات پاسخ می‌دهم. بنده اکنون متهمم که چرا نگذاشته‌ام علیه برجام برنامه تهیه شود.

■ صداوسیما وظیفه‌اش این است که تا آنجا که می‌تواند قرائت رسمی نظام را بگوید.

■ برخی اوقات کشور را غارت می‌کنند، این اسمش صادرات نیست! صادرات در مقطع نرمال کشور است که همه‌چیز هست. من این را در آبادان دیدم که عراقی‌ها می‌آیند این‌طرف با دلاری که قبلا سه‌ونیم بوده، اما الان بالا رفته، کلی جنس بار می‌کنند و می‌روند. شما بروید مشهد هم وضع همین است. قدرت خرید برادران عراقی با کاهش ارزش پول ما خیلی بالا رفته است.

■ آقای زنگنه یا نباید در این شرایط وزیر می‌شد یا اگر زنگنه وزیر هست، باید صورت‌جلسه‌ای بشود و تعهدی از دستگاه قضائی گرفته شود که آقای زنگنه هر تصمیمی شما طی شش ماه بگیرید مصون هستید، نه‌اینکه بلافاصله ممنوع‌الخروج شود.

■ آنهایی که باید ممنوع‌الخروج شوند نمی‌شوند، برخی هم که رفته‌اند. من به آقایان می‌گویم که اینها فرار کردند و شما سهل‌انگاری کردید، اما آقای زنگنه کجا از کشور بیرون می‌رود؟! الان آیا یک نفر از دستگاه قضائی آمده بگوید ایشان وزیر است و هر تصمیمی بگیرد ما موافقیم؟ خب اگر آقای زنگنه را قبول ندارید عوض کنید. این‌طوری که کار جلو نمی‌رود.

■ الان اصلا وقت اصلاح قانون اساسی نیست. اصلا ما مشکلمان قانون اساسی نیست. مشکل ما، رفتار و رویه ماست.

■ ناکارآمدی یک پدیده عمومی است. اصلاح‌طلب و اصولگرا و معتدل نمی‌شناسد. ما گرفتار ناکارآمدی در خیلی از حوزه‌ها هستیم و چون گرفتار آن هستیم با دعواهای سیاسی سعی می‌کنیم این ناکارآمدی را توجیه کنیم.

■ در اینکه ظرفیت رفراندوم در قانون اساسی وجود دارد هیچ‌کس حرفی ندارد و مخالف نیست. شرایط برگزاری رفراندوم هم در همان‌جا آمده است. طبق آن شرایط هروقت تصمیم‌گیران دیدند شرایط رفراندوم فراهم هست، تصمیم بگیرند. چه اشکالی دارد؟

■ من موافق حضور زنان در استادیوم هستم. قبلا این را در جلسات خصوصی می‌گفتم. الان عمومی هم اعلام می‌کنم. هیچ اشکالی ندارد خانم‌ها به استادیوم بروند، اما آنها را از آقایان جدا کنند، آن هم به‌خاطر راحتی خودشان.

■ بعد از اینکه مسئولیتم در صداوسیما به پایان رسید، رهبری یک حکم مستقل به من دادند و دو مأموریت در شورای‌عالی فضای مجازی و شورای‌عالی انقلاب فرهنگی به من سپردند. ایشان البته معمولا حکم به این شکل برای اعضا صادر نمی‌کنند. در حکم مستقلی که رهبری به من دادند چهار راهبرد برای من تعیین کردند که من برای این چهار راهبرد طرح‌هایی دارم.

■ یکی از کارهایی که رهبری انجام می‌دهند استفاده از نظرات کارشناسی همه افراد است، بنابراین من به‌عنوان یک کارشناس در جلسات مرتبط با حوزه کارشناسی در دفتر شرکت می‌کنم و برای آن جلسات مطالعه و تحقیق می‌کنم، با دیگران جلسه می‌گذارم و جمع‌بندی می‌کنم تا در آن جلسات با آمادگی حضور پیدا کنم. از این دست مأموریت‌ها زیاد دارم که دفتر رهبری تصمیم گرفتند دو، سه اتاق نزدیک به خودشان به من بدهند که ارتباط‌ها را انجام دهم.

■ ما اینجا (دفتری که رهبری به من داده‌اند) سه اتاق داریم. طبقه دوم اینجا برای ما نیست. اینجا بودجه‌ای برای فعالیت‌ها ندارد. برای کارهای جاری معمولا ماهانه چند میلیون خودشان هزینه می‌کنند. اینجا اصلا هزینه‌ای ندارد. فقط هزینه‌های متعارف است.

■ یکی از لذت‌های من در نماز جمعه، خرید لباس زیر و ارزان‌قیمت از دست‌فروش‌ها بود. مثل بچه آدم چمباتمه می‌زدم و سوا می‌کردم. البته الان نمی‌توانم چون «اسکرین‌شات» می‌گیرند! به من می‌گویند شما که در خیابان راه می‌روید به دنبال ریاست‌جمهوری هستید.

■ در سال ۹۶ دوستان جبهه انقلاب آمدند و (برای کاندیداتوری) به من اصرار کردند. من گفتم اگر شما می‌گویید می‌توانم کمکی بکنم و در این مسیر برای انتخابات قدمی بردارم، احساس تکلیف می‌کنم و می‌آیم.

■ دعوای اصولگرا-اصلاح‌طلب از اول هم پوست خربزه بود که همه هم در این خط رفتند. بسیاری از اصلاح‌طلبان نیاز به اصلاحات جدی در رفتار خود دارند و بسیاری از اصولگرایان هم اصولگرا نیستند. تعارف نداریم، کار از این حرف‌ها گذشته است.

■ کسی که دنبال ریاست‌جمهوری است تشکیلات دارد، ستاد دارد، آدم دارد و خیلی کارها می‌کند. کسی نمی‌تواند از راه برسد بگوید من می‌خواهم رئیس‌جمهور بشوم. کسی با دو استکان چای‌خوردن با جریان‌های مختلف و چند مطلب نوشتن در فضای مجازی رئیس‌جمهور نمی‌شود.

■ همه مدیرانی که توانمند هستند، باید خود را روی نیمکت انقلاب احساس کنند ولی هرگز برای رسیدن به پستی نباید خودکشی کنند. متأسفانه این رویه را امروز در اصولگراها نمی‌بینیم. رقابت‌ها ناسالم است. این‌طور نیست که اگر کسی بهتر از من بود و به عرصه آمد همه برویم و کمکش کنیم. رقابت‌ها ناسالم شده است و نگاه قیم‌مآبانه در این حوزه بیداد می‌کند.

■ (درباره کاندیداشدن در انتخابات ۱۴۰۰): روش من متفاوت از گذشته است. آن مسیر را دیگر هرگز طی نمی‌کنم.

■ شما فکر می‌کنید با مواضع صریح و آسیب‌شناسانه‌ای که در این سال‌ها داشته‌ام و به خیلی از صاحبان قدرت برخورده است؛ تأیید صلاحیت می‌شوم؟

■ اکثر رسانه‌های اصولگرا هم به‌ویژه آنهایی که کاملا در چارچوب تشکیلاتی و حزبی عمل می‌کنند، کلمه «ضرغامی» را فیلتر کرده‌اند. حتی در اخباری که مواضع آنها را تأیید می‌کند.

■ اگر جایی می‌روم با دعوت می‌روم و بلیت هواپیما را برای من می‌گیرند. اخیرا به کنگره شهدا در ساری رفتم که بلیتش را شهرداری برایم تهیه کرد. تابستان سه بار برای دیدار با دانشجویان به مشهد رفتم که بلیت هواپیما را آنها برای من گرفتند. هرجا به‌عنوان مأموریت می‌روم بلیتش را برایم می‌گیرند.

■ هر گزارشی که احساس کنم رهبری باید در جریان قرار بگیرند و مفید است و وقت ایشان تلف نمی‌شود می‌نویسیم و خدمت ایشان ارائه می‌کنم.

■ نظر مشورتی خود را به رهبری می‌دهم.

■ آقای ابطحی آمد و گفت من در این سال‌ها تلاش کردم بروم ملاقات عمومی آقا اما چرا نمی‌گذارند من بروم؟ من یادداشت نوشتم و بعد از این یادداشت صحبت هم کردم که وقتی صحبت کردم، دیدم جلسه بعد آقای ابطحی در جلسه نشسته است. یا مثلا خانم مینو خالقی با همسرشان هم به جلسه با رهبری دعوت شدند.

■ جلسات عمومی رهبری، جلساتی است که هرچه جریان‌های سیاسی مختلف حضور بیشتر در آن داشته باشند بهتر است. تا آنجا که می‌دانم رهبری معظم نسبت به این موضوع دیدگاه موسعی دارند.

■ (علت دیدار با حسین کروبی): احساس کردم وقتش است با حسین گفت‌وگویی خودمانی انجام دهم و درباره همه‌چیز صحبت کنیم و من یک بار قرائت حصر آقای کروبی را از زبان حسین بشنوم. همه‌چیزهایی که فکر می‌کردم باید آقای کروبی بدانند به حسین منتقل کردم.

■ (مأموریت برای رفع حصر) به آن معنا که کسی به من بگوید این کار را انجام بدهم، خیر، این‌گونه نبود. منتها من تأثیرگذاری خودم را در محیط‌های مختلف دارم. همین الان دو، سه کار انجام داده‌ام ولی لازم نیست خبری شود. چون اگر خبری شود، نتیجه منفی دارد. ممکن است کسی که به او گفته‌ام این کار را انجام دهد بگوید اگر من انجام دهم، فردا می‌گویند چون آقای ضرغامی گفته انجام شده است! پس انجام نمی‌دهد!

■ من روزی به یک مسئول بالای قضائی در یک جلسه که ۲۰ نفر دیگر حضور داشتند، گفتم من دست شما را می‌بوسم به فلانی مرخصی بدهید.

■ مشکل کشور ما همین است که همه سرها را بالا گرفته‌اند و می‌گویند ما رئیسیم. همه می‌خواهند همدیگر را بزنند. بابا این‌طوری نیست، به‌همین‌دلیل یک عده دارند له می‌شوند.

■ می‌شود با خواهش و تمنا کار یک بنده خدایی را راه انداخت. من در تأیید صلاحیت‌ها هم با هرکسی توانستم تماس گرفتم.

عزت الله ضرغامی گفت: مسئله حصر به شورای عالی امنیت ملی سپرده شده است. (اما) آنجا هر وقت رأی‌گیری می‌شود، رفع حصر رأی نمی‌آورد». ضرغامی چند ماه پیش هم در جمع زندانیان سیاسی پیش از انقلاب گفته بود: حصر به‌هیچ‌وجه ارتباطی با مقام معظم رهبری نداشت و تصمیم شورای عالی امنیت ملی کشور بود

ادامه از صفحه اول

چرا وزیر اقتصاد باید اقتصاددان باشد؟

در این راستا، برخی از مهم‌ترین وظایف این وزارتخانه به شرح زیر است:

■ تنظیم سیاست‌های اقتصادی و مالی کشور و ایجاد هماهنگی در اجرای آنها؛

■ بررسی‌های مالی برای شناسایی منابع درآمدی کشور و پیشنهاد وضع یا اصلاح قوانین و مقررات مالی؛

■ نظارت بر فعالیت‌های مالی و اقتصادی بخش خصوصی در راستای اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی؛

■ تخصیص اعتبارات لازم برای هزینه‌های جاری و عمرانی با همکاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و ابلاغ آن به دستگاه‌های اجرائی مربوطه؛

■ انتصاب ذی‌حساب و معاون ذی‌حساب در دستگاه‌های اجرائی بر اساس مقررات ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی کشور؛

■ نظارت بر تشخیص و وصول مالیات‌های مستقیم و همچنین وصول مالیات‌های غیرمستقیم و حقوق و عوارض و هزینه‌های گمرکی؛

■ پیشنهاد، دریافت، بررسی و انجام تمام امور مربوط به سرمایه‌گذاری‌های ایران در خارج و سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران و همچنین کمک‌های اقتصادی و فنی به کشورهای خارجی؛

■ اجرای تکالیف مربوط به امور پولی، بانکی، بیمه‌ای، ارزی و اعتباری کشور که به موجب قوانین و مقررات موضوعه بر عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی محول می‌شود؛

■ بررسی و اظهارنظر درباره لوایح و همچنین تصویب‌نامه‌های پیشنهادی دستگاه‌های اجرائی که جنبه مالی، محاسباتی، معاملاتی، بانکی و اقتصادی دارند.

بنابراین آنچه مسلم است، این است که وزارت اقتصاد و دارایی بسیار بیشتر از وزارتخانه‌هایی مانند «صنعت و معدن» و «تعاون، کار و رفاه اجتماعی» که با گماردن تکنوکرات‌هایی با برخورداری از همکاران اقتصاددان اداره می‌شوند، هم در سطح وزیر و هم معاونان، به متخصصان اقتصادی برای سیاست‌گذاری نیاز دارد؛ به‌ویژه در شرایط حساسی که کشور با مسائلی جدی ازجمله تحریم‌های اقتصادی، بحران بانکی و بحران صندوق‌های بازنشستگی روبه‌رو است. این بحران‌ها آن‌قدر پیچیده هستند که اقتصاددان‌های بزرگ، همه را به اندیشه برای برون‌رفت از این چالش‌ها دعوت می‌کنند. ممکن است در مقابل این استدلال که گفته می‌شود وزیر اقتصاد باید اقتصاددان باشد، بیان شود که وزیر باید یک مدیر مدبر باشد و در کنار خود از مشاوران با تحصیلات بالای دانشگاهی بهره گیرد؛ در پاسخ باید گفت اگر از گاف‌های کلامی وزرای غیرمتخصص در سخنرانی‌ها چشم‌پوشی کنیم، آنها اولا مهره‌چینی‌های خود را بر اساس نوع نگاهشان به مسائل انجام می‌دهند، ثانیا خود وزیر باید قدرت تشخیص و استدلال داشته باشد تا در موارد تکثر آرا، موضع‌گیری کند و سوم اینکه مشاوران وزیر مسئولیتی در قبال عواقب احتمالی تصمیم‌های بد ندارند و بنابراین این موضوع یک کژکارکردی ذاتی در درون خود خواهد داشت؛ گویی هواپیما را به کسی بسپاریم که خود خلبانی نمی‌داند، ولی مشاورانی دارد که به او می‌گویند چه کاری باید انجام دهد. تجربه نشان می‌دهد گماردن مدیرهایی با سوابقی غیرمرتبط، باعث تک‌بعدی‌شدن و تخصیص غیربهینه منابع در راستای اموری می‌شود که آنها درباره آن موضوع حساسیت بیشتری دارند؛ چراکه آنها نگاه کلان به مسائل ندارند و صرفا به واسطه تجربه مدیریتی خود تنها برخی از مسائل در ذهن آنها برجسته است. در برهه حساس کنونی، نیاز است کشور بر اساس مدیریت کاملا علمی اداره شود. دانشکده‌های اقتصاد در ایران افراد شایسته بسیاری را تربیت کرده‌اند و برخی از این افراد تجربه‌های اجرائی زیادی در کارنامه کاری خود دارند. امید است مجلس محترم در انتخاب وزیر جدید اقتصاد به اقتصاددانان اعتماد کند و ضرورت دانش، تخصص و تجربه نزدیک را مرکز توجه قرار دهد.

راه‌حلی برای یک تناقض

افراد در چنین موقعیت‌هایی، بسته به موقعیت شغلی یا منافع سیاسی و اولویت‌های شخصی، همواره قانون را اجرا نمی‌کنند، بر آن گردن نمی‌نهند و حتی به مقابله با آن اقدام می‌کنند.

در بین این جماعت، به‌ویژه آنان که از موقعیت‌های رسمی برخوردارند، استفاده از این استانداردهای دوگانه تأثیری به‌مراتب مخرب‌تر نسبت به عموم داشته است؛ هرگاه شرایط ایجاب کرده است، سنگ قانون را به سینه می‌زنند و با چراغ و ذره‌بین در لابه‌لای مواد و تبصره‌های قانونی دنبال قانونی می‌گردند تا عمل خود را با آن توجیه کنند و در هنگام ضرورت، آرای فقهی و اجتهاد را دلیل تمکین‌نکردن از قانون و اجرای آن ابراز کرده که قانون خدا را نمی‌توان به بهانه قوانین بشری معطل گذاشت.

آنان که در مناصب رسمی حضور دارند، باید بدانند اگر پاسخ پرسش‌های یادشده برای عموم ناروشن یا محل تردید است، تردید یا دوگانگی از ایشان پذیرفته نیست. قبل از ورود به عرصه و پذیرش مسئولیت، باید قبول کرده باشند مجری قانون باشند. با پذیرش این شرط است که می‌توان به تجدیدنظر کسانی که مانع اجرای کنسرت‌های مجوزدار و تجدیدچاپ کتاب‌ها و برگزاری مراسم و تجمع‌های قانونی و ورود زنان به ورزشگاه‌ها می‌شوند، امید داشت.